

کارگران سخن میگویند!

هسته کارگری مبارز افغانستان

سرطان ۱۳۹۶ (جولای ۲۰۱۷)

شماره (۱۴)

دور دوم



www.kargaranafghanistan.blogfa.com

hastakargari@yahoo.com

آدرس وبلاگ ما :

ایمیل آدرس ما :

مرگ بر اشغالگران

مرگ بر وطن فروشان



آنچه برای زحمت کشان جامعه یعنی کارگران - دهقانان - پیشه وران و کسبه کاران و سایر اقشار وسیع اجتماعی مهم است و ارجحیت دارد، استقلال و آزادی کشور است.



این را به قوت میتوان مطرح ساخت که بدون استقلال و آزادی کشور، هیچ یک از مردمان کشور نمیتوانند در رفاه و آسایش زندگی کنند. سیر رو به قهقراء جامعه و موج عظیمی از بیکاری ها و دربدری ها، فوج عظیم مهاجرت های اجباری و کوچ اجباری و بی جا شدگان داخلی از یک ولایت به ولایت دیگر، ضربه خوردن بیش از پیش پیشه وری و صنایع دستی و هزاران معضل اجتماعی دیگر را میتوان از موجودیت اشغالگرانه نیروهای خارجی در کشور و ماهیت حاکمیت دست نشانده و پوشالی شان دانست.



شرایط این بخش از اقشار وسیع جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان، هر روز بدتر از روز قبل میشود.

پس از حضور دراز مدت پانزده ساله در کشور به خوبی اثبات گردید که نیروهای خارجی اشغالگر برای تحکیم منافع اشغالگرانه شان و حضور دوامدار خود در افغانستان هر روز بهانه تازه ای را روی دست میگیرند و با بهانه های متفاوت حضور دوام مدت خویش را تمدید میکنند.

صورت لزوم و قرار گرفتن نیروهای ارتش رژیم مزدور در وضعیت بحرانی کندک بریگارد ۸۲ آماده نبرد باشند. آنچه را دولت فاشیستی ترامپ روی دست گرفته، بررسی درخواست تمدید و افزایش چند هزار نفری نیروهای اشغالگر نظامی امریکا در افغانستان است.

فاکس نیوز چندی قبل از طریق رسانه خود چنین گزارش داد:

اخیرا معلوم گردیده که بر اساس فیصله به عمل آمده از طرف کنگره امریکای تحت رهبری دونالد ترامپ این فاشیست تمام عیار امریکایی، قرار است ۱۵۰۰ تن از نیروهای هوایی و بریگارد (۸۲)، ارتش ایالات متحده امریکای اشغالگر، تابستان امسال (۱۳۹۶ خورشیدی) به افغانستان اعزام گردند تا آموزش ویژه نیروهای ارتش رژیم دست نشانده و مزدور را به پیش برده و در



حالا چقدر میتواند حرف سخنگوی بریگارد ۸۲ واقعیت داشته باشد که افزایش این چتربازان نظامی لشکر بریگارد ۸۲ ربطی به افزایش نیروهای نظامی نمی‌گیرد.

هر شخص عاقل و هوشیاری میداند که نیروهای نظامی امریکا حتی اگر یک نفر از آنها به افغانستان اعزام گردند بخاطر منافع اشغالگرانه و غارتگرانه امریکا در افغانستان است.

با افزایش نیروهای اشغالگر در کشور و به قول سخنگوی بریگارد ۸۲ «استقرار استراتژیک» یعنی طویل مدت و دوامدارشان در کشور است که میتوان بحران سیاسی - نظامی - اقتصادی و اجتماعی در کشور را از همین اکنون به تصویر کشید و شاهد افزایش خانه خرابی دهقانان، کارگران و اقشار وسیع زحمتکش اجتماعی بود.

فقط برای بیرون رفت از چنین بحران عظیمی که دامن تک تک اولاد این کشور را میگیرد باید نقشه مندانه به پیش گام برداریم و برای طرد و خروج نیروهای اشغالگر از کشور و فروپاشی رژیم پושالی شان آگاهانه به بسیج وسیع کارگران، دهقانان و زحمتکشان جامعه اتکاء نماییم و در مقابل هر حرکت اشغالگران و رژیم پושالی دست نشانده شان هوشیار و بیدار باشیم، هر گونه غفلت از طرف کارگران و زحمتکشان جامعه میتواند به نفع اشغالگران و رژیم پושالی دست نشانده شان تمام گردد.

«سخنگوی بریگارد ۸۲ هوایی، دگرمن «جو بو چینو» میگوید: استقرار این بریگارد ارتباطی به برنامه امریکا برای افزایش نیروهای ارتش این کشور در افغانستان ندارد. ماموریت بریگارد ۸۲ قوتهای هوایی و دیسانت، استقرار استراتژیک و انجام عملیات حمله چتربازها برای حفظ اهداف کلیدی در عملیات نظامی برای حمایت از منافع امریکا در عرض ۱۸ ساعت پس از اطلاع رسانی است.»

آیا واقعا استقرار بریگارد ۸۲ ربطی به برنامه امریکا برای افزایش نیروهایش ندارد؟

هر انسان عاقل و هوشیاری بخوبی میتواند درک نماید که ماموریت واحدهای نظامی ارتش ایالات متحده امریکا همانطوری که خود سخنگوی بریگارد ۸۲ نیز بدان اعتراف میکند «حمایت از منافع امریکا» است. سخنگوی بریگارد ۸۲ حتی زمان آنرا نیز قید میکند و میگوید که «در عرض ۱۸ ساعت»!

یعنی عملیات های نظامی «برای حمایت از منافع امریکا» در «ظرف ۱۸ ساعت» باید به انجام برسد.

حالا این بریگارد ۸۲ چگونه واحد تشکیلاتی از ارتش ایالات متحده امریکاست؟

لشکر ۸۲ هوایی و دیسانت ارتش ایالات متحده امریکا بیش از هفده هزار و پنجصد چترباز در شش بریگارد متوازن دارد. یعنی هر بریگارد آنان را حدود ۲۵۰۰ تا ۲۹۰۰ افسر نظامی تشکیل میدهد و این افسران تعلیم دیده ارتش موظف به رهبری نیروی ۱۵۰ هزار نفری بریگارد های شش گانه ارتش ایالات متحده امریکا میباشند.

بریگارد یک را تیم رزمی کارانی تشکیل میدهد که بزرگترین بریگارد لشکر ۸۲ به شمار میرود و متشکل از ۴۳۰۰ چترباز تعلیم یافته اند که بیش از ۳۰۰ تن آنان همین اکنون در افغانستان حضور بالفعل و بالقوه دارند و یکهزار و پنجصد تن از همین چتربازان حرفوی لشکر ۸۲ قرار است که در تابستان امسال به افغانستان اعزام گردند.

وضعیت رقت بار کارگران افغانستانی قابل نگرانی است

نمی توانند برای کار کردن به کشورهای همسایه بروند، مجبور اند که به کمترین مزد کاری نیز تن دهند.

امروز در افغانستان برای کارگران نه بیمه اجتماعی وجود دارد و نه هم تضمین کار.

صاحب کار از هر کارگری که خوشش نیامد فوراً او را از کار اخراج می کند.

وضعیت اسفناک افغانستان اشغال شده باعث گردیده که تعداد زیادی از فارغان صنوف دوازدهم و حتی فارغان پوهنتون ها در صف کارگران بپیوندند. همه ساله در حدود سیصد هزار نفر به کانکور شرکت می کنند، فقط شصت هزارشان به پوهنتون ها راه می یابند و تعدادی هم که حداقل در وضعیتی قرار دارند که بتوانند فیس پوهنتون های خصوصی را بپردازند به پوهنتون های خصوصی جذب می شوند، بقیه به صف کارگران می پیوندند. به همین ترتیب از فارغان پوهنتون ها چه دولتی و چه خصوصی فقط آن کسانی به کار گماشته میشوند که هم پول دارند و هم وسیله، بقیه فارغان یا به کارگران ساده ای تبدیل می شوند و یا اینکه به شکلی از اشکال در بارچالانی ها و امثال آن برای خود کاری پیدا می کنند. که این کار برای شان طاقت فرسا است. زیرا باید در بدل حقوق کم، روزانه حداقل دوازده ساعت کار کنند.

طولانی شدن صف کارگران نه تنها سبب استثمار مضاعف کارگران در داخل افغانستان گردیده، بلکه سبب استثمار مضاعف شان در کشورهای همسایه گردیده است. رژیم دست نشانده نه می خواهد و نه می تواند زمینه اشتغال را برای کارگران مهیا سازد، زیرا که این رژیم از یک طرف دست نشانده اشغالگران است قبل از همه حامی منافع اشغالگران امپریالیست در افغانستان می باشد، و از طرف دیگر حامی منافع جنایت کاران و میهن فروشان و خائنین ملی است. رژیم دست نشانده با این وضعیتی که دارد حتی نمی تواند مانند رژیم های ارتجاعی نیمه مستعمره وابسته زمینه اشتغال را برای کارگران مهیا سازد.

رژیم دست نشانده هیچگاه به فکر بهبود زندگی و ایجاد زمینه اشتغال برای کارگران نیست. به این خاطر است که کارگران افغانستانی همیشه و هر زمان آواره، سرگردان و بی سرپناه زندگی را سپری می نمایند، و همیشه مورد استثمار مضاعف چه در داخل و چه در خارج کشور قرار میگیرند.

زمانیکه اشغالگران امپریالیست، رژیم دست نشانده حامد کرزی را به کرسی دست نشانده نشاندند یکی از وعده و وعیدهای شان بهبود وضعیت کارگران افغانستانی بود. از آن زمان تا کنون بیش از یک و نیم دهه می گذرد علاوه بر اینکه بهبودی در وضعیت کارگران بوجود نیامد، بلکه روز به روز وضعیت کارگران خراب تر گردید و امروز کارگران افغانستانی در وضعیت کاملاً رقت باری زندگی را سپری می نمایند.

این وضعیت فلاکت بار کارگران افغانستانی، روز به روز بدتر شده و بر تعداد کارگران بیکار هر روز افزوده میگردد که قابل نگرانی است. از یک طرف قیمت اجناس و مواد اولیه نسبت به سال ۱۳۸۱ یعنی زمان تجاوز و اشغالگری امپریالیست ها به افغانستان ده برابر شده و از طرف دیگر بیکاری قوس صعودی خود را می پیماید، و روز به روز صف کارگران بیکار طولی تر می گردد. این وضعیت باعث گردیده تا مزد کارگران به آخرین حد سقوط نماید. بطور مثال، اکثریت کارگران شهرک صنعتی در مقابل کار دوازده ساعت (۱۲) در روز ماهوار هفت هزار افغانی معاش دریافت می نمایند. بعلاوه این



کارگران مکلف اند هفته دو شب هم نوکری بدهند. فقر و بیکاری بیش از حد کارگران را مجبور ساخته که این همه فشار را قبول کنند. زیرا اگر او این کار را نکند صد نفر دیگر حاضر است که این کار را انجام دهد. این وضعیت باعث گردیده که هر قدر قیمت اجناس و مواد اولیه بالا رود مزد کارگران ثابت باقی بماند. نه کنترل نرخ و قیمت و نه کنترل بازار و فروشات در افغانستان وجود دارد، در کشوری که نرخ ها روز به روز قوس صعودی را می پیماید، قتل، غارت و چپاول و بیکاری بیداد می کند کارگران باید بی سرنوشت و در به در به دنبال کار و اشتغال باشند. کارگرانی که نتوانسته یا

رژیم دست نشانده زمانی به خواست و اعتراضات توده‌های زحمتکش حداقل توجه می‌کند که اولاً کارگران بصورت مستقلانه متشکل شوند و ثانیاً با بقیه زحمتکشان کشور پیوند تنگاتنگ پیدا کنند. در چنین صورتی است که هر اعتصاب، اعتراض و تظاهرات تا حدودی می‌تواند نتایج ملموسی به بار آورد. در غیر این صورت همان آش است و همان کاسه.

بر همگان واضح است که کارگران طبقه‌ایست که بیشترین و بهترین نقش سازندگی کشور بدوش اوست. اما با تمام زحماتی که متقبل می‌شود چه نصیب‌شان می‌گردد؟ هیچ. آنها در سخت‌ترین شرایط به سر می‌برند، نه آسایشی دارند و نه آرامشی. رژیم پوشالی هیچگاه به فکر آسایش و آرامش کارگران نبوده و نیست، به همین دلیل است که در مقابل عدم پرداخت کارگران و حتی عدم پرداخت معاش مامورین پائین رتبه بی‌پروا است. در مورد معلولین و معیوبین جایی برای بحث نیست.

امروز رژیم دست نشانده بخوبی می‌داند که کارگران برجسته‌ترین نقش در عرصه اقتصادی جامعه را دارا است، اما با آن هم با وعده‌های فریبنده به کارگران اهداف سیاسی خود را پیاده می‌کند.

بر آنچه که ما اصرار داریم این است که کارگران برای بدست آوردن حقوق‌شان باید آگاه شوند و سیاست‌های فریبکارانه رژیم را درک کنند و برای پیشبرد اهداف والای‌شان به "هسته کارگری مبارز افغانستان" به پیوندند. زیرا "هسته کارگری مبارز افغانستان" یگانه نیروی مستقل کارگری است که بخاطر حصول حقوق حقه کارگران به پاخاسته و مبارزه می‌نماید. در چنین صورتی است که کارگران در پیوند فشرده با بقیه زحمتکشان بصورت جدی می‌توانند علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی بپردازند، و از حقوق حقه خویش دفاع نمایند.

به امید چنین روزی

زنده و پایدار باد مبارزات بر حق کارگران در سراسر جهان

۲۲ ثور ۱۳۹۶ خورشیدی

این وضعیت نه تنها دامنگیر کارگرانی است که در سر گذر و یا کارخانه کار می‌کنند، بلکه دامن کارگرانی را که در شعبات دولتی کار می‌کنند نیز گرفته است. کارگرانی که در شعبات دولتی کار می‌کنند از یکسو مزدشان نازل است و از سوی دیگر ماه‌ها حقوق‌شان به تعویق می‌افتد. چند روز قبل کارگران تنظیف شاروالی هرات به تظاهرات پرداختند. این تظاهرات از منطقه "پائین آب" شروع گردید، مسیر "شهر نو" را پیمود و به دروازه ولایت رسید.



کارگران اعتراض داشتند که از پنج ماه به این طرف حقوق‌شان پرداخت نگردیده است. دامنه این اعتراضات به دروازه ولایت خاتمه داده شد. زیرا آقای پوپل سرپرست معاونیت شاروالی همراه با قوماندان اکبر با وعده و وعیدهای دروغین کارگران را مجبور به بازگشت به سر کارشان نمودند.

کارگران باید بدانند که راه حل مشکل‌شان این نیست که به دروازه ولایت ایستاده شوند، زیرا والی هم از همین قماش است و نمی‌خواهد و یا بهتر بگوییم نمی‌تواند توجهی به خواست‌ها و اعتراضات کارگران بنماید. این‌ها همیشه بخاطر تحکیم منافع خود و اربابان خود سعی می‌ورزند تا کارگران و بقیه زحمتکشان را با وعده دروغین فریب بدهند.

اعتراضات کارگران بر حق است. ما از این خواست و اعتراض بر حق‌شان دفاع می‌کنیم. آنچه که باید کارگران بدانند این است که دامنه چنین اعتراضاتی باید میان مردم برده شود نه به دروازه ولایت و یا کدام مقام دیگر دولتی. زیرا توقع از چنین رژیم بی‌معنا است و کارگران و بقیه زحمتکشان نباید از رژیم دست نشانده توقع داشته باشند که به خواست‌ها و نیازهای‌شان رسیدگی کند.

کارگران سراسر جهان متحد شوید!

ما در حالی به استقبال روز جهانی کارگر میرویم که فقر، محرومیت، بیکاری، استثمار طبقاتی، ستم جنسیتی، ستم ملیتی، ستم امپریالیستی و هزاران معضل دیگر دمار از روزگار کارگران و زحمتکشان جامعه در آورده است. مهاجرت‌های دسته جمعی کارگران که به خاطر پیدا کردن یک لقمه نان بخور و نمیر عازم کشورهای همسایه میشوند باعث گردیده که عده‌ای از هموطنان ما در آنسوی مرز یا در بازداشتگاه‌های کشورهای همسایه اسیر و دربند باشند و یا اینکه اگر صحیح و سالم به مقصد برسند برای ماه‌ها بیکار و بی‌اشتغال و آواره و سرگردان بمانند.

در چنین وضعیتی است که روز جهانی کارگر، رنگ و بوی دیگری به خود میگیرد. وضعیت اسفناک کارگران، دهقانان و اقشار زحمتکش اجتماعی مان، ما را وامیدارد که وضعیت کنونی و شرایط جاری بر کشور و منطقه را با دید بازتری بنگریم. بدین اساس از تمامی نیروها و شخصیت‌های ملی، دموکرات و میهن پرست مصرانه می‌طلبیم که برای تدارک هرچه بیشتر براندازی این نظام وحشت و دهشت یکپارچه و متحد عمل کنند.

«هسته کارگری مبارز افغانستان» در مبارزه و مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده پیشگام است و برای رهایی کشور و مردمان کشور مبارزه میکند.

به «هسته کارگری مبارز افغانستان» پیوندید تا همه با هم برای رهایی از این وضعیت و دیگرگون شدن اوضاع کنونی مسئولیت پذیر باشیم و به وظایف مبارزاتی مان با قاطعیت عمل کنیم!

زنده باد روز جهانی کارگر

مرگ بر اشغالگران خون آشام و رژیم دست نشانده‌شان و اشغالگران مرتجع داعشی!

«هسته کارگری مبارز افغانستان»

یازدهم ثور ۱۳۹۶ خورشیدی (اول می ۲۰۱۷ میلادی)

«هسته کارگری مبارز افغانستان» روز جهانی کارگر را به تمامی کارگران زحمتکش جهان، علی‌الخصوص کارگران ستمدیده و رنج‌دیده افغانستان تبریک عرض میکند.

جا دارد درین روز خجسته تاریخی، که روز بین‌المللی کارگران جهان است، یاد و خاطره آن‌عده از کارگران را که بخاطر حصول حقوق حقه‌شان، جان‌های شیرین‌شان را از دست دادند و این روز تاریخی و خجسته را به نام خود تثبیت کردند، گرامی بداریم و ضمن گرامیداشت از جان‌فشانی‌های‌شان خاطر نشان سازیم که روز اول ماه می یعنی روز بین‌المللی طبقه کارگر.

در ماه جولای سال ۱۸۸۹ میلادی، دقیقاً سه سال بعد از سرکوب خونین کارگران شیکاگو که توسط سرمایه‌داران خون آشام صورت گرفته بود، روز جهانی کارگر توسط کنگره بین‌المللی در پاریس تثبیت جهانی یافت. از آن سال به بعد، همه ساله، کارگران و زحمتکشان سراسر دنیا، دور هم جمع می‌آیند و برای جهانی بهتر مبارزات حق طلبانه‌شان را مشتعل‌تر از قبل می‌سازند. همه ساله روز جهانی کارگر تجلیل می‌گردد تا کارگران با دیدگاه فکری بازتر، دقیق‌تر، علمی‌تر، منسجم‌تر و سازماندهی شده‌تر به پیش‌گام بردارند و بر برج و باروی نظام غارتگر امپریالیستی که جز فقر و محرومیت و ستم‌دیدگی برای کارگران، زحمتکشان و توده‌های مردم چیز دیگری به ارمغان نیاورده، حمله‌ور شوند.

در چنین روزی کارگران برای اعاده حقوق خود به جاده‌ها می‌ریزند و صدای اعتراض‌شان را علیه نظام غارتگر جهانی بلند می‌کنند.

«هسته کارگری مبارز افغانستان» که بخش کوچکی از سپاه رزمنده طبقه کارگر جهانی محسوب میشود، در داخل افغانستان در راستای تأمین وحدت سرتاسری میان تمامی کارگران و زحمتکشان جامعه مسئولیت پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیستی و رژیم دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی را در صدر برنامه خود قرار داده و برای بسیج همگانی کارگران و زحمتکشان جامعه (اعم از زن و مرد) تلاش می‌نماید.

قیمت ها رو به افزایش است



از زمانیکه اشغالگران امپریالیست افغانستان را اشغال نموده و رژیم دست نشانده را شکلدهی نمودند وضعیت زندگی توده‌ها روز بروز به وخامت گرائیده است. از یک سو بیکاری، فقر و از سوی دیگر عدم شغل و نا امنی دامن گیر توده‌ها گردیده است. با این وضعیت غم انگیز روز بروز قیمت اجناس مورد ضرورت بالا رفته و قوس صعودی خود را می پیماید.

روزی یکی از دوستانم از من سوال کرد که چرا قیمت گاز مایع افزایش یافته است؟ او حرفش را اینطور ادامه داد: حالا هنوز زمستان نشده تقریباً قیمت گاز دو برابر گردیده است و فردا که زمستان شود وای به حال ما بیچاره‌ها. در زمستان بهای هر کیلو گاز به صد افغانی خواهد رسید و یا گازی پیدا نخواهد شد.

برایش چنین پاسخ دادم: در شرایطی که کشور اشغال گردیده و رژیم دست نشانده بر آن حکومت می کند شما چه توقعی می توانید از اشغالگران و یا رژیم دست نشانده داشته باشید. هر گونه توقع از آنها یک توهم است. زیرا اشغالگران بخاطر حفظ منافع خود به افغانستان تجاوز نموده نه بخاطر آرامش مردم افغانستان.

ای کاش که تنها مسئله بالا رفتن قیمت گاز می بود. طوریکه بر همه ما معلوم است که قیمت تمام مواد ارتزاقی، مواد سوختی، مواد پوشاکی، مواد آشامیدنی، میوه جات، شیرینی جات، البسه، آلات و ابزار ساختمانی، نجاری، حجاری، روغنیا، وسایل آرایشی، امتعه تجارتي و صنعتی و مفروشات، خلاصه تمام اشیاي مورد ضرورت زندگی به آسمان رسیده است. هر گاه قیمت ها بالا می رود، کاری برای مردم پیدا شود باز هم می شود به یک مشکلی زندگی را سپری نمود. اما مشکل این جا است وقتی قیمت ها بالا می رود، کار هم پیدا نمی شود. اکثریت نسل جوان برای دریافت لقمه نانی به خارج از کشور می روند. تمام این مصیبت ها از اشغال کشور بر می خیزد.

رژیم پوشاری به بازار آزاد روی آورده است. در بازار آزاد هیچ کس حق کنترل و نظارت بر بازار را ندارد، بنابر این تجار مطابق میل خود اجناس را به بازار ارائه می نمایند. تا زمانیکه اشغالگران در افغانستان حضور داشته باشند و رژیم دست نشانده بر آن حکومت نماید این معضل به حال خود باقی است.

از آنجائیکه اقتصاد کشور ما بر اساس مناسبات تولیدی نیمه فیودالی و از لحاظ سیاسی کشور مستعمره و زیر

فرمان نظامی گران اشغالگر ناتو تحت رهبری امپریالیزم امریکا قرار دارد، سیستم بازار آزاد در کشور چیزی جز غارت و چپاول نیست.

افغانستان امروزی به یک کشور مصرفی برای کشورهای جهان تبدیل گردیده است. پول کشور در مقابل پول خارجی ارزش خود را از دست داده است. با چنین حالتی همه مواد از کشورهای چین، پاکستان، ایران، مالیزیا، هندوستان و غیره کشورهای اروپایی و آسیایی وارد بازار داخلی گردیده و به قیمت گزاف عرضه می گردد و هم چنین تقابل ارزهای خارجی در برابر ارز داخلی زمینه سود جویی، صعود و نزول برای بورژوازی مساعدت می نماید و روزنه منفعت طلبی را افزایش داده احتکار و ذخیره سازی در انبارها را با در نظر داشت فصول مختلف سال مساعد ساخته است. هم چنین مواد تولیدی کشور توسط سرمایه داران داخلی به قیمت نازل خریداری شده و به قیمت گرانتر به بازارهای خارجی بفروش رسانیده می شود، یعنی خریداران بازار داخلی منفعت کننده گان اصلی هستند.

تمرکز سرمایه در دست سرمایه داران خارجی و داخلی و جنگ سالاران مافیا که در آمدهای کلان دولتی دارند و رشوت خواران قضایی و خائرنوالی ها و قوماندان های جهادی بوده اما اکثریت مردم محتاج لقمه نانی می باشند و زمینه کار برای اکثریت کارگران و توده های ستمدیده کشور نا ممکن گردیده است.

تمام این ها دست به دست هم داده و زمینه ساز چنین روزی برای توده های ستمدیده گردیده است. فقر و بیکاری سبب گردیده تا نسل جوان کشور برای بدست آوردن پاسپورت و ویزای آن جهت یافتن کار به

سیستم اقتصادی کشور تحت نظر اشغالگران امپریالیست از ابتدای شکلدهی رژیم دست نشانده بر مبنای فساد، غارت و چپاول پایه‌گذاری گردیده و تا زمان اخراج قهری اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده ادامه دارد.

زمانی ملت ما به آرامش و امنیت میرسند که خود سرنوشت خویش را بدست گیرند و همه امور کشور و ملت تحت نظارت شان قرار داشته باشد. این حالت ممکن نیست مگر با بسیج همگانی توده‌های ستمدیده و برپایی و پیشبرد مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری پیش آهنگ طبقه کارگر جهت بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده و استقرار جامعه دموکراتیک نوین. این حالت تحت رهبری طبقه کارگر باید تا آنجا پیش رود که دیگر نشانی از ستم و استثمار فرد از فرد وجود نداشته باشد. در آنصورت است که هر کس به اندازه توان کار می‌کند و به اندازه نیاز مصرف می‌نماید.

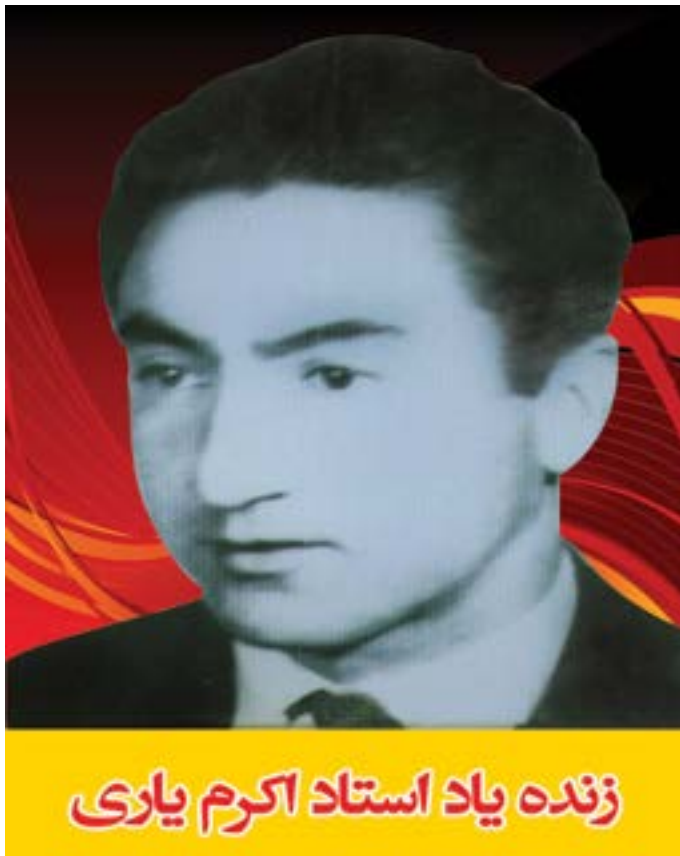
-- مجید --

کشورهای همسایه مشقت‌های فراوانی را تحمل نمایند. نیروی کار خویش را به قیمت ارزان بفروش رسانند.

رژیم خون آشام جمهوری اسلامی ایران دقیقاً درک نموده که مردم افغانستان به شدت نیاز به کار دارند، از یکسو قیمت ویزا را بالا برده و از سوی دیگر مبلغ سه صد یورو ضمانت بازگشت از کارگران می‌گیرد. کسانی که در ظرف یکماه به کشور برنگردند پول ضمانت به جیب جمهوری اسلامی ایران می‌ریزد. به این اساس روزانه صدها هزار یورو جمهوری اسلامی ایران از توده‌های زحمتکش افغانستان مفت و مجانی تصاحب می‌نماید. این کارگران از یکسو توسط سرمایه داران ایران و از سوی دیگر توسط دولت ارتجاعی ایران چپاول می‌شوند.

تمام جنایات و بدبختی رایج در افغانستان ناشی از سیستمی است که توسط اشغالگران شکلدهی گردیده است. در هر جامعه، اقتصاد نقش اساسی و زیر بنایی را دارا بوده و منعکس کننده دیگر رویدادهای جامعه میباشد. فرهنگ، هنر، سیاست همواره با رشد اقتصادی تکامل و رشد می‌نماید.

روز بنیان‌گذاری سازمان جوانان مترقی گرامی باد!



زنده یاد استاد اکرم یاری

یکبار دیگر روز ۱۳ میزان فرا رسید، ما هم این روز را به انقلابیون جهان و بخصوص انقلابیون افغانستان مبارک باد می‌گوییم و یاد و خاطره جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور را گرامی میداریم. در این روز با ارج گذاشتن به جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور یاد آوری می‌نماییم که میراث دار و ادامه دهنده راه‌شان هستیم و با ایشان تجدید میثاق می‌نماییم که برای پیشبرد راه شان از هیچگونه تلاش و کوششی دریغ نمی‌ورزیم.

در این روز یاد آور می‌شویم که تجارب مثبت و منفی جانبختگان جنبش ما به ما آموخته که در مبارزه با اشغالگران و خائنین ملی نباید از قربانی هراسید و یا تزلزلی بخود راه داد. بلکه باید با تکامل جنبه‌های مثبت جنبش دموکراتیک نوین کشور به پیش حرکت نمود.

روز ۱۳ میزان پایه‌گذاری سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین مبتنی بر یک خط انقلابی است، که خط فاصل میان انقلاب و ضد انقلاب کشید.

پیروان جنبش دموکراتیک نوین کشور با اشغالگران سوسیال امپریالیسم و رژیم دست نشانده تا زمان سقوط رژیم دست نشانده به شکلی از اشکال ادامه داشت. متأسفانه بعد از سرنگونی رژیم مزدور نجیب به استثنای تعدادی که خود را میراث‌دار جنبش دموکراتیک نوین می‌دانستند مبارزات شان را علیه باندهای ارتجاعی اسلامی و رژیم جهادی‌ها ادامه دادند، بقیه بنا به نبود خط اصولی نتوانستند مبارزات اصولی را پیش ببرند، بعضی‌شان به حالت سرخوردگی یا به کشورهای اروپایی مهاجر گردیدند و یا اینکه در درون پاکستان، ایران و افغانستان حالت بی تفاوتی اختیار نمودند. تعدادی از آنها به دنبال احزاب ارتجاعی جهادی راه افتادند. زمانی که آرزوهای شان توسط این احزاب برآورده نگردید به جنبش ملی اسلامی دوستم این جنایتکار حرفه ای پناه بردند که به آرزوی شان نرسیده شورای نظار این ارتباط را خنثی نمود.

در این برهه حساس تاریخی که افغانستان به اشغال کامل اشغالگران امپریالیست درآمده و رژیم دست نشانده بر آن حکومت می‌کند و موج تسلیمی و تسلیم پذیری دامن نسل جوان و تعدادی از سازمان‌های به اصطلاح چپ را گرفته است، جنبش مبارزاتی کارگری افغانستان نیاز به یک سازمان دموکراتیک نوین کارگری دارد.

این مسئولیت تاریخی در چنین شرایطی بدوش "هسته کارگری مبارز افغانستان" است که با احساس مسئولیت در میان توده‌های ستمدیده و بخصوص کارگران رفته و با پشتکار، همه توان و نیروی خویش را برای ایجاد چنین سازمانی به خرج دهد، زیرا کارگران آگاه و متشکل می‌توانند توده‌های زحمتکش افغانستان را در مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان رهبری نموده و تا بیرون راندن کامل اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین این مبارزه را هدایت نمایند، در غیر اینصورت نجات از بردگی ممکن نخواهد بود.

پیش به سوی اتحاد همه نیروهای انقلابی، ملی
دموکرات و میهن پرست

پیش به سوی مقاومت ملی مردمی و انقلابی

"هسته کارگری مبارز افغانستان"

اول میزان ۱۳۹۵ خورشیدی

این خط اصولی نه تنها علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی به مبارزه برخاست، بلکه علیه سوسیال امپریالیسم و نمایندگان فکری شان در سطح ملی و بین‌المللی مبارزه نمود و تجدید نظر طلبی شان را بیرحمانه افشاء کرد.

این وظیفه و رسالت تاریخی امروز به ما به ارث مانده و نباید در این مسیر مبارزاتی کوتاهی نمود، بلکه باید هر چه جدی تر علیه اشغالگران امپریالیست، رژیم دست نشانده و انواع تسلیمی و تسلیم طلبی و هم چنین انواع تجدید نظر طلبی مبارزات مان را سمت و سو بخشید.

همانطوریکه بنیان‌گذاران جنبش دموکراتیک نوین کشور در میان روشنفکران و کارگران فعالیت می‌نمودند، با درس آموزی از این تجارب گران‌بها باید در میان توده‌ها رفت و کار توده به توده را هر چه جدی تر به پیش برد، زیرا توده‌ها سازندگان تاریخ اند و کارگران نیروی بالنده و رهبری کننده جنبش توده‌ها اند. بدون پیوستن فشرده با توده‌ها بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده غیر ممکن است.

در حالیکه مظاهره سال ۱۳۴۷ خورشیدی جنبش دموکراتیک نوین، از طرف پولیس سرکوبگر رژیم ارتجاعی وقت سرکوب شد و اکثریت رهبران، کادرها و صفوف این جنبش به زندان افتادند، نسبت به نفوذی که این جریان در میان روشنفکران و طبقه کارگر داشت توانست که در اول می ۱۹۶۹ (یازدهم ثور ۱۳۴۸ خورشیدی) با تجمع ۱۵۰ هزار نفر از کارگران و روشنفکران لرزه بر اندام رژیم ستم شاهی بیندازد. جنبش دموکراتیک نوین در میان تمامی کارخانه‌جات کشور و بخصوص کارخانه‌جات کابل، هرات و مزار نفوذ قابل ملاحظه‌ای در میان کارگران داشت. به همین علت تظاهرات شان روشنفکری نبود بلکه بیشتر رنگ و بوی کارگری داشت.

جریان دموکراتیک نوین بعد از کودتای ننگین هفت ثور ۱۳۵۷ در تقابل با این کودتا قرار گرفت و با تحلیل مشخصی که از خصوصیات سوسیال امپریالیسم در گذشته داشت، کوتای ۷ ثور را محکوم نمود و یادآور گردید که افغانستان رفته رفته به مستعمره تمام عیار سوسیال امپریالیسم مبدل میشود. بناء کسانیکه از ضربت کودتاگران نجات یافته بودند به جنگ مسلحانه علیه سوسیال امپریالیسم و دست نشانندگان شان برخاستند. مخالفت‌های مسلحانه و غیر مسلحانه

نوروز

چه فرقی می کند نوروز باشد یا خزان باشد
 چه فرقی می کند کندوز باشد بامیان باشد
 درون سفره ی ما درد باشد با غم و حسرت
 و طعم اشک دایم بر زبان کودکان باشد
 درون سفره ی تو هفت سین، هفتاد من میوه
 خدا با کودکان مثل مادر مهربان باشد
 کباب گوسفند تازه، نان گرم و شربت ها
 برای هر کدام تان همیشه نوش جان باشد
 و اینجا کودکان، طوفان فقر و درد بی نانی
 چنان باشد که تنها پوست روی استخوان باشد
 چه فرقی می کند دیروز با امروز و نوروزش
 اگر قصر ستم بالا به اوج آسمان باشد
 چه فرقی می کند نوروز می آید، نمی آید
 اگر رویای ما تنها و تنها نیم نان باشد
 چه نوروزیست آن روزی که مادر میهن زیبا
 اسیر پنجه های خون چکان دشمنان باشد
 ستم بر باد باید شد، وطن آزاد باید شد
 همان روزی که آزادی بود، نوروز آن باشد

صمصام

با یک غزل.....

شانه ها بشکسته و سرها به زیر بارهاست
 در رگان خشک مان از بسکه نادانی چکید
 رنگ دین را جای دلها گرد سر پیچانده ایم
 مدعی هایی که با افکار روشن آمدند
 بار اول نیست این سردرگمی ها ، بارهاست
 هوش مان وقت عمل ، عاجز تر از بیمارهاست
 وای از آن قومی که بیرق هایشان دستارهاست
 صحبت از صلحی که بین گرگ و چوپان در گرفت
 نخ به نخ افکارشان خاکستر سیگارهاست
 با چه رویی صحبت از پرواز آزادی کنیم ؟
 کفتران صلح مان زاییده ی گفتارهاست
 بی گمان چون سرزمین چوبه های دارهاست
 با تبرهای جهان امروز کاجستان ما

شعیب حمیدزی

خواسته‌های فوری و دموکراتیک زحمتکشان افغانستان

ملت شریف افغانستان!

افغانستان کشوری مستعمره - نیمه فیودالی است، و دولت دست نشانده آمریکا بر آن حکمروایی میکند. این دولت هیچگونه اختیاری از خود ندارد و فقط دستور اربابش را اجرا می نماید. تمام وعده و وعیدهایش فریبی بیش نیست. این رژیم جز دروغ چیز دیگری برای شما توده های دربند کشیده تاکنون نگفته است. طوریکه شاهد و نظاره گر بر اوضاع هستید هیچ یک از وعده‌های سر خرمی شان اجرا نگردیده و حتی غنی و عبدالله به تعهدی که بین خود بستند وفادار نیستند چه رسد به تعهداتی که زمان کاندیداتوری به شما داده اند. نزاع های درون خودشان بر سر چوکی وضعیت را از بد بدتر نموده است. هرگاه همین طور نظاره گر اوضاع باشید و به این میهن فروشان اجازه دهید که هر چه دل شان می خواهد بکنند نه تنها شرایط زندگی شما بهبود حاصل نمی کند، بلکه افغانستان برای چند نسل بعد هم به قهقرا فرو خواهد رفت.

از ۴ دهه بدین سو امپریالیست های غارتگر توسط غلامان و دست نشاندهگان رنگارنگ و اجیر شده خود به قتل و غارت مردم این دیار پرداخته اند و به انواع و اقسام حيله ها بر اکثریت مردم این کشور هر نوع جنایت و خیانتی را کرده و می کنند.

بیش از یک دهه اشغالگران روسیه همنا و همراه با دست نشاندهگان و مزدوران وطنی بر این کشور ترک تازی نمودند و دمار از روزگار مردمان این سرزمین بر آوردند و ۱۶ سال تمام است که اشغالگران امپریالیست به سرکردگی امپریالیزم امریکا همراه دست نشاندهگان مزدورش از هیچ نوع جنایت و خیانتی در حق توده های رنج دیده این کشور فروگذار ننموده است.

امروز امپریالیزم اشغالگر امریکا بخاطر مسلط شدن بر منطقه و غارت منابع طبیعی کشورهای منطقه،

زندگی را بر مردم تلخ تر از گذشته نموده و این روند تا زمانیکه در این سرزمین حضور داشته باشد ادامه دارد.

جنایت بی شمار این جانیان بر هیچکس پوشیده نیست. برای بیرون رفت از این وضعیت موجود چه باید کرد و راه حل کدام است؟

مردم افغانستان برای اینکه بتوانند به مقابل ظلم و ستم اشغالگران و نوکران حلقه بگوش شان فایق آیند به یک دولت ملی مردمی و انقلابی نیاز دارند، دولتی که مدافع استقلال افغانستان و محافظ آزادی مردم افغانستان بوده و طبق ارزش های دموکراسی نوین بوجود آید و عدالت اجتماعی را در ضدیت با استثمار، ستم ملیتی و ستم جنسیتی در سرتاسر کشور به پیش برده و تامین نماید. باید برای ایجاد و استقرار چنین دولتی به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی جهت بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده پرداخت. زیرا این جنایتکاران به رضا و رغبت از کشور بیرون نمیروند و مزدوران شان نیز حاضر نیستند که به رضا و رغبت به خواسته‌های توده‌های میلیونی تن دهند. همانطوریکه نیاکان ما اشغالگران انگلیسی را بعد از ۸ دهه جنگ از کشور بیرون راندند ما هم باید با پیروی از نیاکان خود پوزه اشغالگران و رژیم دست نشانده را بخاک مالیده و سرنگون شان سازیم.

من بعنوان یک انسان زحمتکش این سرزمین از تمامی نیروهای انقلابی، ملی و دموکرات و توده های ستم دیده تقاضا می‌کنم که دست به دست هم داده تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر به مبارزه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده و استقرار جامعه دموکراتیک نوین به پیش برند و آنقدر پیش بروند که دیگر نشانی از ستم باقی نماند. چرا که حق دادنی نیست گرفتنی است.

۸ - مراقبت رایگان از معلولین جنگی و غیر جنگی و هم چنین از افراد سالمند و ناتوان از کار.

۹ - آزادی بی قید و شرط محل سکونت برای تمامی ملیت های ساکن کشور.

۱۰ - لغو هر نوع محدودیت بر مسافرت به خارج از کشور و اخذ پاسپورت و ویزا برای تمامی زحمتکشان در اسرع وقت با کمترین هزینه.

۱۱ - رفع هر گونه تبعیض جنسیتی علیه زنان و مردان در تمام نقاط کشور.

پیش بسوی مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی.

زنده باد آزادی، برابری و عدالت اجتماعی

اول جوزای ۱۳۹۶

علی کارگر

در شرایط کنونی افغانستان خواسته های فوری و دموکراتیک ما و تمامی زحمتکشان افغانستان عبارت است از :

۱ - ایجاد اشتغال برای عموم مردم.

۲ - ایجاد زمینه تحصیلات و خدمات صحی رایگان برای همه در شهرها و قریه جات .

۳ - لغو کار اطفال زیر ۱۸ سال.

۴ - تثبیت حداقل معاش کارگران متناسب با نیازمندی های امروزی و رشد روز افزون تورم و افزایش قیمت ها.

۵ - زحمتکشان افغانستان باید از حق ایجاد تشکیلات، بیمه کار و معاش و تقاعد و هم چنین به راه انداختن اعتصابات و اعتراضات علیه کار فرمایان بر خوردار باشند.

۶ - در یافت مزد مساوی در برابر کار مساوی.

۷ - حمایت از حقوق تمام زحمتکشان افغانستانی آواره در کشورهای خارجی.

اشغال افغانستان



نیروهای اشغالگر سوسیال امپریالیزم شوروی دوباره مورد تجاوز و اشغالگری قرار گرفت و برای بار دوم به حالت مستعمراتی برگشت. مردم ما یک بار دیگری شاهد مرگ هزاران هموطن شان بودند. تمام زندان ها میزبان هزاران نفر از توده های زحمتکش و انقلابیون

در سال ۱۲۱۸ ش افغانستان توسط نیروهای انگلیس اشغال گردید، و مدت هشت دهه افغانستان زیر اشغال انگلیس قرار داشت. در مدت این هشتاد سال افغانستان به یک ویرانه تبدیل شده بود و مردم ما شاهد مرگ هزاران قهرمان بودند، که از آن جمله ملالی دختری که تا دم مرگ بخاطر سرزمین اش دفاع کرد و دلیرانه با انگلیس ها مبارزه کرد در این مدت جنگ، آنها با دلیری از وطن و مردمان شان دفاع کردند، تا اینکه بعد از مبارزه های طولانی توده های مردم افغانستان در ۲۸ اسد سال ۱۲۹۸ ش - ۱۹۱۹ میلادی بر اشغال افغانستان توسط اشغالگران انگلیسی پایان دادند و استقلال سیاسی افغانستان را بدست آوردند.

افغانستان از حالت مستعمراتی به حالت نیمه مستعمراتی تبدیل گردید.

اما دیری نگذشته بود که در سال ۱۳۵۸ بدست

و ملیتی آغاز گردید و هزاران هموطن ما کشته و یا معیوب گردیدند و صدها هزار هموطن دیگر ما مهاجر به کشورهای همسایه گردیدند. در این زمان شئونیزم جنسی به شدیدترین وجهی بر زنان اعمال گردید. زنان حتی حق بیرون شدن از خانه هم نداشتند. نه تنها شئونیزم جنسی، بلکه شئونیزم ملیتی به بدترین حالتی اعمال گردید. زمانیکه امپریالیستهای غربی به سرکردگی امپریالیزم امریکا دانستند که طالبان بیش از این نمیتواند تامین کننده منافعشان باشند، به فکر اشغال افغانستان گردیدند.

افغانستان در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ میلادی به مدت دو ماه به شدیدترین وجهی مورد بمباران و موشک باران نیروهای اشغالگر قرار گرفت، در این مدت هزاران نفر از توده‌های زحمتکش افغانستان کشته و معلول گردیدند. بعد از سقوط رژیم طالبان امپریالیستها به رهبری امپریالیزم امریکا افغانستان را به بهانه "مبارزه علیه تروریسم" و "آزادی زنان" از چنگال طالبان به اشغال خود درآوردند و رژیم دست نشانده خود را به مسند دست نشاندهی نشانند. گرچه اشغالگران و رژیم پوشالی مکاتب را به روی زنان باز نمودند و یک تعداد از زنان تسلیم شده را به چوکی های وزارت، وکالت، ولایت و ریاست بالا کشیدند، اما نه تنها تغییرات مثبتی در زندگی زنان بوجود نیامد، بلکه روز به روز وضعیت زنان بدتر گردید، روزی نیست که در گوشه و کنار کشور بر زنی تجاوزات جنسی صورت نگیرد، کشته نشود و یا اختطاف نگردد و این سلسله ددمنشی ها پس از گذشت تقریباً ۱۶ سال از آغاز حملات تجاوزکارانه اشغالگران بر کشور همچنان ادامه دارد.

برای بیرون رفت از این وضعیت فقط یک راه وجود دارد!

مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده شان و برپائی دولت دموکراتیک نوین.

برای دست یابی به چنین هدفی باید تبلیغ - ترویج - دعوت - تنظیم را روی دست گرفت. یعنی باید به بسیج نمودن و آگاهی دادن به توده ها متکی شد و آنان را بر محور مقاومت ملی مردمی و انقلابی آماده ساخت تا از طریق پیشبرد چنین مقاومتی تحت رهبری کارگران برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده شان فایق آمد.

زند باد استقلال، زنده باد آزادی

بود. در این زمان بسیاری از توده های زحمتکش بشمول روشنفکران به قتل رسیدند. در زمان اشغال افغانستان امپریالیزم غرب به سرکردگی امپریالیزم امریکا بیکار ننشسته نیروهای ارتجاعی جهادی وابسته به خود از لحاظ مالی و نظامی همراه با کشورهای ارتجاعی منطقه و کشورهای عربی حمایت نمودند. رهبری احزاب ارتجاعی جهادی را بر خلق افغانستان تحمیل نمودند. در مدت ۱۰ سالی که ارتش اشغالگر سوسیال امپریالیزم شوروی در افغانستان حضور داشت، سخت ترین مصائب بر توده های زحمتکش افغانستان تحمیل گردید. در این مدت نیروهای انقلابی نه تنها از طرف اشغالگران و رژیم دست نشانده شان بقتل رسیدند، بلکه از طرف نیروهای احزاب ارتجاعی جهادی سرکوب شده و تعداد زیادی توسط این باندها جانهایشان را از دست دادند. بالاخره اشغالگران سوسیال امپریالیزم شوروی در ۲۶ دلو سال ۱۳۶۸ مجبور به ترک افغانستان گردیدند.

در ۸ ثور ۱۳۷۱ رژیم دست نشانده شوروی جایش را به احزاب ارتجاعی جهادی واگذار نمود. افغانستان واپس به حالت نیمه مستعمره - نیمه فئودالی برگشت.

نیروهای ارتجاعی که هر کدام وابسته به یکی از کشورهای امپریالیستی و کشورهای ارتجاعی منطقه بودند، بخاطر حفظ منافع اربابان شان جنگ های ارتجاعی داخلی غارتگرانه را آغاز نمودند. این جنایتکاران از هیچگونه جنایتی دریغ نکردند، جنایت شان به حدی رسید که هم طراز جنایتکاران خلقی، پرچمی گردید. در این زمان به سر مردم بیگناه میخ کوبیدند، به دهان شان شاشیدند، سینه زنان را بریدند، زایمان زنان را تماشا کردند، رقص مرده را تماشا کردند و ...

در این زمان بود که شرکت یونیکال امریکائی که کرزی و خلیل زاد از جمله نمایندگان این شرکت بودند به رقابت با شرکت بریداس ارجنتائینی برخاست. برای اینکه انتقال لوله گاز و نفت از ترکمنستان به پاکستان ضرورت به نیروی ثالثی بود تا از یک سو به جنگ های داخلی پایان دهد و از سوی دیگر زمینه ساز پیشروی (جهت تامین منافع امپریالیزم) به آسیای میانه گردد. این نیرو جز طالبان نیروی دیگری نمی توانست باشد.

به این دلیل پای طالبان به میان آمد، رژیم ارتجاعی جهادیها از مسند قدرت به زیر کشیده شد و طالبان قدرت سیاسی را بدست گرفتند. در مدتی که طالبان قدرت سیاسی را بدست داشتند، تصفیه های قومی

اصطلاحات سیاسی برای کارگران و زحمت‌کشان

استثمار:

اصطلاح استثمار از ریشه "ثمر" و به معنای "بهره‌کشی" است و در مباحث اقتصادی و اجتماعی به معنای استفاده و بهره‌بردن از کار کس دیگری است. معنای علمی استثمار چنین است: به دست آوردن مجانی محصول کار یک فرد از جانب فردی که صاحب خصوصی وسایل تولید است. در اصطلاح اقتصادی یعنی گرفتن مجانی محصول کار اضافی و بعضی اوقات حتی قسمتی از کار لازم. استثمار ویژه همه جوامعی است که در آن طبقات متخاصم وجود دارد. افراد یک طبقه، طبقه حاکم، که صاحب وسایل تولید هستند افراد طبقات دیگر را مورد بهره‌کشی قرار داده و از ثمره رنج آن‌ها گنج بر می‌دارند. پس علت استثمار عبارت است از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید. ولی اشکال استثمار وابسته است به خصلت آن مناسبات تولیدی که در جامعه حاکم است.

بهره‌کشی از فرد یا افراد دیگر ملازم با وجود بشر نیست و از آغاز پیدایش جامعه بشری موجود نبوده و جاویدانی نیز نمی‌تواند باشد. استثمار در نخستین دوران صورت بندی اجتماعی - اقتصادی (یعنی کمون اولیه) وجود نداشت و تنها در مرحله متلاشی شدن این دوران پدید گشت. پیدایش استثمار معلول عوامل زیر بود:

تکامل نیروهای تولیدی که منجر به تقسیم اجتماعی کار و پیدایش اضافه محصول و به دنبال آن‌ها مالکیت خصوصی و تفاوت درآمدها شد. بر این شالوده تجزیه جامعه به طبقات متناقض پدید گشت و به جای جامعه بی طبقه اولیه طبقات اجتماعی بهره‌کشان و بهره‌دهان پدید آمدند. نخستین دوران جامعه بشری که بر شالوده استثمار استوار بود جامعه برده داری بود که پایه آن را مالکیت کامل برده دار بر وسایل تولید و بر خود تولید کننده یعنی برده تشکیل می‌داد.

در دوران فیودالیزم پایه استثمار عبارت بود از مالکیت خصوص ارباب بر زمین و مالکیت نیمه تمام بر صرف یا رعیت که البته این امر به نسبت کم یا بیش با خصوصیات بسیار متفاوت در کشورهای مختلف ظهور کرد و طیف بسیار متنوعی از انواع بهره‌کشی فیودالی را در ممالک گوناگون با ویژگی‌های خاص به وجود آورد. دوران فیودالیزم به شکل نیمه فیودالیزم در سطح وسیعی از جهان، در بسیاری از کشورهای تحت سلطه امپریالیزم، امتداد یافته است.

آخرین دوران متکی به استثمار، دوران سرمایه داری است که در آن مالکیت خصوصی سرمایه داران بر وسایل تولید، وسیله بهره‌کشی از کارگران و زحمتکشانی است که خود به اصطلاح آزاد اند و تحت مالکیت نیستند، ولی نیروی کار شان وسیله استثمار صاحبان سرمایه است. این‌ها کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، معادن، زمین‌ها، وسایل تولید زراعتی، بانک‌ها، وسایل توزیع و وسایل حمل و نقل و غیره و غیره را در مالکیت خود دارند و از ثمره کار کارگران و سایر زحمتکشان یدی و فکری که فاقد وسیله تولید اند برخوردار می‌شوند.

استثمار موجب می‌شود که به قیمت فقر و بدبختی توده‌های کثیر که کار می‌کنند و تولید می‌کنند مشتری افراد صاحب وسایل تولید ثروت بیاندوزند. استثمار مغایر با آزادی و شخصیت بشری حقیقی است. استثمار مغایر با عدالت اجتماعی حقیقی است. استثمار منافی با دموکراسی و حقوق بشری حقیقی است. تمام این مفاهیم در جوامعی که استثمار حاکم است، نمی‌تواند معنای کامل خود را داشته باشد. تمام هیاهوی ایدئولوژی‌های سرمایه داری و مبلغین رژیم‌های استثمارگر و عوام فریب در این موارد پوچ و میان تهی است، زیرا شالوده ظلم اجتماعی، حق‌کشی، نابرابری و ستمگری، استثمار است و استثمار خود همزاد جدایی‌ناپذیر سرمایه داری و سایر نظام‌های استثمارگرانه است. سود کلانی که سرمایه دار در نتیجه کار کارگر به دست می‌آورد، بهره مالکانه یا اجاره زمین که مالک و زمیندار از دهقان زحمتکش می‌گیرد، استثمار است و برای الغای آن باید همه وسایل تولیدی از مالکیت خصوصی خارج شود تا نتیجه کار و زحمت زحمتکشان به جیب کس دیگری نرود. این امری است که از بین رفتن آن در دوره انقلاب دموکراتیک نوین شروع می‌شود.

جنبشی ای تازه نسل نوجوان

شورشی ای مردمان باستان

گردشی ای محور چرخ زمان

لرزشی ای موج خلق بیکران

تابشی ای شعله های جاودان

تا بسوزی قصر و بام خائنان

پرتو افشانی نما چون آفتاب

پاره کن ار چهره خائن نقاب

سر نگون کن باره افراسیاب

تند شو این برقه های باشتاب

تابشی ای شعله های جاودان

تابسوزی قصر و بام خائنان

آتشی از کوره های کارگر

غرش ای از داس و بیل بزرگر

زیر و روکن کاخ استثماریگر

محو کن بنیاد استثمار و شر

تابشی ای شعله های جاودان

تابسوزی قصر و بام خائنان

کن علم از مجمر خود نورها

شو ضیا و رهبر مزدور ها

اخگر افکن بر سر مغرورها

سوزدست و فرق این سر زورها

تابشی ای شعله های جاودان

تابسوزی قصر و بام خائنان

طرح آئین نوین ایجساد کن

آتشی در خانه بییداد کن

این وطن را از محن آزاد کن

با رحیمت رسم نو ارشاد کن

تابشی ای شعله های جاودان

تابسوزی قصر و بام خائنان

عناوین مندرج این شماره:



صفحه ۲

مرگ بر اشغالگران - مرگ بر وطن فروشان

صفحه ۴

وضعیت رقت بار کارگران افغانستانی قابل نگرانی است

صفحه ۶

کارگران سراسر جهان متحد شوید!

صفحه ۷

قیمت ها رو به افزایش است

صفحه ۸

روز بنیان گذاری سازمان جوانان مترقی گرامی باد!

صفحه ۱۰

نوروز (شعر)

صفحه ۱۰

با یک غزل

صفحه ۱۱

خواست های فوری و دموکراتیک زحمتکشان افغانستان



صفحه ۱۲

اشغال افغانستان

صفحه ۱۴

اصطلاحات سیاسی برای کارگران و زحمتکشان

صفحه ۱۵

جنبش ای تازه نسل نوجوان (شعر از داکتر رحیم محمودی)



"هسته کارگری مبارز افغانستان" صدای برحق کارگران ستمدیده افغانستانی است

آدرس ما: www.kargaranafghanistan.blogfa.com

ایمیل آدرس ما: hastakargari@yahoo.com